

آرنو فیشر، از عکاسان و مدرسان برجسته ی قرن بیست و یکم آلمان است. از مجموعه های نیویورک، موقعیت برلین و باغ که در گالری راه ابریشم به نمایش درآمده است، به مجموعه ی نیویورک او خواهم پرداخت.

مجموعه ی نیویورک، در سال های ۱۹۷۸ و ۱۹۸۴ گرفته شده است. و در کتابی با عنوان نیویورک، چشم اندازها منتشر شد. در این مجموعه عکس هایی خیابانی با انسان هایی در شرایط و وضعیت های مختلف را شاهد هستیم. همان طور که در دیوار گالری جمله ای از عکاس خودنمایی می کرد که: عکاسی تکنیکی است که به مردم خلاق اجازه ی بیان خویشتن شان را میسر می سازد. تاثیر این جمله را می توان در این مجموعه مشاهده کرد؛ با ترکیب های بسته و نظر به انسان معاصر آمریکایی، می توان حالات و احساسات آن ها را به عنوان مخاطب درک کرد. در تصاویر او انسان موضوعی محوری است و به وضوح می توان تاثیر عکاسان خیابانی برجسته که دهه ها پیش در آمریکا عکاسی کرده اند را بر او، متوجه شد مانند: رابرت فرانک و واکر اونز. نشان دادن فقر و تضاد در شهری مانند نیویورک نشان از تحت تاثیر قرار گرفتن از رابرت فرانک و عکاسی اش است. ترکیب بندی، موضوعات و حتی پرچم آمریکا که در یکی از تصاویر نشان داده شده است.

از طرف دیگر موضوع مهم دیگری که در این عکس ها خودنمایی می کند مسئله ی تضاد میان انسان-های داخل عکس است. تضاد میان انسان سیاه پوست و انسان سفید پوست آمریکایی، هر چند که در توضیح این مجموعه در گالری به عدم موضع گیری از پیش تعیین شده توسط عکاس اشاره شده است، اما می توان وجه هایی از آن را مشاهده کرد که عکاس به طور ناخودآگاه و یا حتی آگاه این تضاد را به ثبت رسانده است. به طوری که انسان سیاه پوست در موقعیت هایی پایین تر و به مراتب با حالاتی افسرده تر از انسان سفیدپوست قرار گرفته است. مانند تصویر سیاه پوستی که بر زمین نشسته و به دیوار تکیه دارد و نشان از بی خانمان بودن و در فقر قرار داشتن او است. فیشر تاکید می کند که عکس ها باید معنایی فراتر از آن چه که هستند در ذهن مخاطب بسازند و در این زمینه به خوبی عمل کرده است. با توجه کردن به عکس ها به این قضیه پی میبریم که معنایی عمیق در پس هر عکس نهفته است. انسانی که در مجموعه ی نیویورک به تصویر کشیده شده و بر آن تاکید شده است، انسانی

خسته و درمانده است و ما این درماندگی را از حالات و رفتار سوژه های داخل عکس پی میبریم. گویی از وضعیت خود ناراضی و غمگین اند که می توان از نگاه آن ها متوجه این موضوع شد. مانند یکی از تصاویر که انسان درون عکس حالت محو شدگی دارد و در حال فریاد زدن است. و سیاه پوستی آن طرف، تکیه بر دیوار به مکان نامعلومی نگاه می کند. نگاه انسان های درون تصاویر مورد مهمی است که عکاس بر آن واقف بوده و به خوبی از آن استفاده کرده است. به طوری که مخاطب با نگاه کردن به این تصاویر با انسانِ درمانده ی معاصر همذات پنداری می کند و معنای عمیق آن نگاه ها را رمزگشایی می کند.